



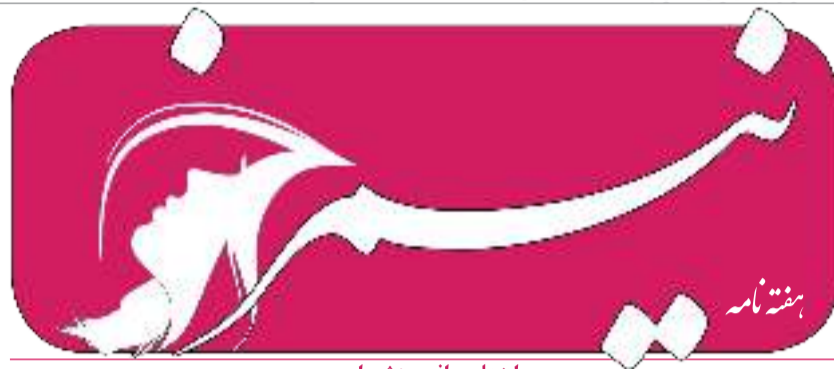
قوماندان کفتر
که مسئولیت تأمین امنیت را
در بخش‌هایی از بغلان برعهده دارد.

آخرین خبرها
از دوسیه مرگ زهرا خاوری



سال اول
شماره ۱۶
دوشنبه
۴ جدی ۱۳۹۶
قیمت ۱۰ افغانی

Monday
December 26, 2017
Vol. 1
No. 16



اینجا، چراغی روشن است

سوال

سوال این نیست که چه کسی به من
اجازه می‌دهد، آن است که چه کسی
مرا متوقف می‌کند.

آین رند Ayn Rand (داستان نویس /
نمایشنامه نویس / فیلسوف)



وضع زنان در سالی که گذشت

سالشمار زنان افغانستان در سال ۲۰۱۷

—۲—



جنسیت

کثر تهمینه سومیرس

قسمت چهارم

بدن کالای جنسیتی شده

چ (تمدن و چاشنی تلخ قراردادهای اجتماعی؛ راه
گریزی وجود ندارد:

مسئله تن فروشان و نیاز های اولیه زندگی آنها ارتباط
تناقضی با معیشت و اقتصاد مالی آنها دارد. زیرا این
ثروت و دارایی طبقه خریدار است که زمینه حائز
اهمیت فروش سکس را فراهم می‌آورد. یکی از عواملی
که زمینه های رشد تن فروشی را در عصر ما ایجاد
می‌کند نیاز به تولید رفتار جدیدی است که باز هم
بایستی مرزی میان ثروتمند و فقیر بکشد تا سرمایه به
خوبی و وضوح بیشتری هویت اقتصادی خود را بر ملا
سازد. این رفتار جدید روزانه از طریق متفاوتی خودش
را بروز می‌دهد، شبکه های اجتماعی، بازار های
سکس و صنعت سکس، گردشگرانی که محض سرگرمی
در کنار دیگر مزایای سفر تفریحی شان نیاز جنسی را
مطابق میل خود رفع می‌کنند و زائران اماکن مذهبی

گزارش

تأثیر شبکه های اجتماعی در قدرت گرفتن زنان عرب

در جهان عرب، مردان دو برابر بیشتر از زنان از
رسانه های اجتماعی استفاده می‌کنند. موانع استفاده
زنان از رسانه های اجتماعی را می‌توان به دو دسته
محیطی و شخصی تقسیم کرد. عوامل محیطی، بویژه
«محدودیت های اجتماعی و فرهنگی»، علاوه بر «دسترسی
به تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی» و «فقدان محتوای
مناسب برای زنان» بزرگترین موانع استفاده زنان
عرب از رسانه های اجتماعی هستند. از سویی، عوامل
شخصی که بیشتر به مهارت ها یا توانایی های کاربران
اجتماعی رسانه های اجتماعی مربوط است، مانند:
«سطح تحصیلات»، «سواد تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی»،
«راحت بودن در رسانه های اجتماعی» به عنوان وسیله ای
توانمندسازی زنان است.

برای ایجاد ارتباطات و «سطح اعتماد به امنیت و حریم
خصوصی تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی» به عنوان موانعی
با تأثیرات کوچک تر در نظر گرفته می‌شوند.

چطور می‌توان این شکاف جنسیتی «مجازی» را از بین
برد؟ اگر موانع برابری جنسیتی در استفاده از رسانه های
اجتماعی عمدتاً شخصی باشند، آنگاه هر گونه مداخله ای
که برای حل این شکاف جنسیتی انجام می‌شود، باید بر
تثبیت زنان از طریق معرفی آموزش های بیشتر برای زنان
یا افزایش تحصیلات آن‌ها، تمرکز داشته باشد. با این
حال، نتایج تحقیقات منطقه ای به وضوح نشان می‌دهد
که موانع مورد نظر، عمدتاً محیطی بوده و تلاش بیشتری
برای رفع نگرش های تبعیض آمیز و محدودیت های
فرهنگی برای زنان، مورد نیاز است.

یافته های این پژوهش، شباهت دیدگاه را در کاربران مرد
و زن رسانه های اجتماعی در منطقه عربی نشان می‌دهد.
مردان و زنان عرب به طور عمده در مورد مسائل مربوط
به رسانه های اجتماعی و پیامدهای آن برای زنان و
مشارکت مدنی توافق دارند. آن‌ها از رسانه های اجتماعی
استفاده های مشابهی کرده و نظرات مشابهی در مورد
نقش رسانه های اجتماعی در توانمندسازی زنان دارند.
شاید مهم ترین یافته این تحقیق، دیدگاه مشترک
نسبت به رسانه های اجتماعی به عنوان ابزاری برای
توانمندسازی زنان است.



تحلیل
مریم شاهی

وضع زنان در سالی که گذشت

سالشمار زنان افغانستان در سال ۲۰۱۷

تاریخ	سالشمار زنان افغانستان در سال ۲۰۱۷
جنوری	کسب جایزه بین المللی فری میوز توسط زهره عضو تیم ارکستر دختران افغانستان
مارچ	کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرد که خشونت علیه زنان در این کشور ۸.۶ درصد افزایش یافته است.
اپریل	انتشار نام مژده جمال زاده، خواننده و مدل در لیست سی نفری، زیباترین زنان جهان در سال ۲۰۱۷
می	اداره ی احصایه ی مرکزی افغانستان با انتشار تازه ترین احصایه خود، تعداد زنان را در افغانستان چهارده میلیون و پنجصد هزار و تعداد مردان را پانزده میلیون و دوصد هزار مرد اعلام کرد.
جولای	کمیته مصونیت خبرنگاران در گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که حضور زنان خبرنگار در رسانه ها بدلیل افزایش ناامنی و تهدیدها علیه رسانه ها کاهش یافته است. در یک کارزار فرهنگی در شبکه های اجتماعی امروز، زنان افغانستان با راه اندازی هشتگی از جامعه افغانستان پرسیده اند، «نامم_ کجاست!» آغاز به کار تلویزیون زن کشته شدن نجیبه حسینی (بهار)، مدیر دیتابیس ریاست منابع بشری وزارت معادن در حمله انتحاری
اگست	کمپاین کاربران رسانه های اجتماعی با عنوان «نام مادرم را در تذکره بگنجانید»
سپتامبر	فیلم «نامه ای به رئیس جمهور» به کارگردانی رویا سادات، نامزد اسکار شد
نوامبر	برگزاری نشست سام با موضوع حقوق زنان، رولا غنی در این نشست گفت که وضع زنان بهبود یافته است. خودکشی زهرا خاوری، دانشجوی دانشگاه کابل
دسامبر	انتشار نام «رویا سادات» فیلمساز در لیست متفکران جهان از سوی مجله بین المللی فارن پالیسی پارلمان افغانستان به نرگس نهران، نامزد وزیر معادن و پترولیم رای اعتماد نداد.

نشریه نیمرخ در پایان سال میلادی، بخش ویژه هفته نامه را به بررسی وضع زنان افغانستان در سال ۲۰۱۷ میلادی اختصاص داده است.

جایزه های جهانی زنان افغانستان
جایزه های جهانی در عرصه موسیقی، فیلم و عرصه های مد و زیبایی از جمله دستاوردهای زنان در سال ۲۰۱۷ میلادی است، در کنار آن، گزارش خشونت ها علیه زنان افزایش یافته است.

زهره اولین ارکستر دختران در افغانستان جایزه فری میوز ۲۰۱۷ را از آن خود کرد. گروه ۳۵ نفره دختران افغانستان که زهره ارکستر این گروه موسیقی را به عهده دارد، نوای پایانی مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس را نواخت. سازمان جهانی «فری میوز» که برای حفظ حق آزادی بیان برای موسیقی دانان و آهنگسازان در جهان فعالیت می کند و جایزه سال ۲۰۱۷ خود را به زهره داده است.

فیلم «نامه ای به رئیس جمهور» ساخته رویا سادات به عنوان نماینده سینمای افغانستان در بخش بهترین فیلم خارجی نودمین دوره جوایز اسکار به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی معرفی شده است. در فهرست سال ۲۰۱۷ «متفکران جهانی» نشریه آمریکایی فارن پالیسی نام رویا سادات هم قرار داده شده است. فارن پالیسی دلیل جا دادن نام خانم سادات در این فهرست را «آوردن داستان زنان افغان روی پرده سینما» اعلام کرده است. پیش از خانم سادات، ماریا بشیر، رئیس دادستانی ولایت هرات در غرب افغانستان، به عنوان یکی از «صد متفکر برتر جهان» در سال ۲۰۱۱ از سوی مجله آمریکایی «فارن پالیسی» معرفی شده بود.

مجله انترنیتی آمریکایی برنت و وبسایت آی ام دی بی فهرست



همراهی در وزارت تحصیلات عالی کار کرده است. کاربران شبکه های اجتماعی افغانستان با راه اندازی کمپاین اجتماعی به نام «نامم کجاست؟» به تابوی بر زبان آوردن نام زنان اعتراض کرده اند. رشد آموزش و رفتن دختران و زنان به مراکز آموزشی در این کشور اکنون باعث شده که زنان کم کم مبارزه برای گرفتن حقوق خود در بخش های مختلف را آغاز کنند اما در بعضی مناطق دانستن نام خواهر، مادر یا یکی از زنان اقارب برای مردان یک نوع «دشنام و بی شرمی» تلقی می شود.

بگیرد. خانم نهران ۲۷ سال عمر دارد و از کسانی است که توانسته است بر مرضی سرطان سینه پیروز شود. نرگس نهران هنوز ازدواج نکرده است و قرار بود به عنوان وزیر معادن و پترولیم کار کند که امروز نمایندگان مجلس به او رای ندادند.
خانم نهران، در پست های دیگر دولتی در اداره موقت نیز کار کرده بود. او به عنوان رییس عمومی خزاین وزارت مالیه، معاون دانشگاه کابل در امور اداری و مالی، مشاور ارشد مالی و اداری وزیر معارف و مشاور ارشد پلان گذاری و

در این نشست، برخی کشورهای تمویل کننده از وضعیت زنان در کشور ابراز نگرانی کردند. از جمله دینا هارپر، رییس اجرایی همکاری ها برای افغانستان- کانادا گفت که زنان افغانستان هنوز هم از حقوق انسانی برخوردار نیستند و هنوز با خشونت هایی دست و پنجه نرم می کنند. مشارکت زنان در چندین سال گذشته تنها ۱۹٪ افزایش یافته است. تنها نامزد وزیر زنی که رای نیاورد

نرگس نهران، به گواهی رسانه های داخلی افغانستان، تنها خانمی بود که نتوانست از مجلس نمایندگان رای اعتماد








به کندوز ولایت کی ۴۴ کورنیو د افغانستان د کلیو او بریختیا وزارت له هغو بیو مرسنه څخه سته وگره. چې د زنی په درشل کی بی ورسره وکړې دغه مرسنه چې خوراکی او نوموړني اړین توکي په کی دی پر هغو کورنیو ووېشل شوې چې د جکرو له امله بیخایه شوي دي. له هرې کورنی سره د ۲۵۰۰۰ اضافیو په ارزښت مرسنه شوې ده افغان دولت په پام کی لري چې په راتلونکي کی له نورو کورنیو سره هم دا ډول مرسنه وکړي

۴۴ فامیل در ولایت کندز از کمک های فوری وزارت احیا و انکشاف دهات افغانستان جهت آسادی بهتر برای زمستان، قدر دانی کردند. مواد غذایی و نیازمندی های اولیه برای فامیل هایی که در اثر ناامنی ها بی جا شده بودند، توزیع شد. ۳۵۰۰۰ افغانی برای هر خانواده کمک شد و دولت در نظر دارد تا در آینده به خانواده های بیشتر کمک کند

موفقیت دولت، موفقیت ما!
زموږ د دولت بریا، زموږ بریا ده!

تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر قدرت گرفتن زنان عرب



نیز ممکن است نگرانی‌های جدیدی را برای مشارکت مدنی زنان به همراه داشته باشند. علاوه بر این، موانع واقعی «زندگی واقعی» برای توانمندسازی زنان ممکن است تنها با استفاده از رسانه‌های اجتماعی قابل برطرف شدن نباشند. در حالی که مشارکت «مجازی» ممکن است گام اول در جهت توانمندسازی زنان باشد، ممکن است لزوماً به معنای مشارکت در زندگی واقعی در عرصه‌های سیاسی، مدنی و عمومی نباشد. موانع واقعی زندگی بر روی زمین در این عرصه نباید دست کم گرفته شوند و تلاش برای ارتقاء برابری جنسیتی در منطقه باید مورد توجه قرار گیرد.

منبع:

Dubai School of Government, "The Role of Social Media in Arab Women's Empowerment", Arab Social Media

اکثریت پاسخ‌دهندگان احساس کردند که رسانه‌های اجتماعی توانایی تبدیل شدن به ابزاری قدرتمند و جذاب برای زنان را دارد؛ چه در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و چه در عرصه مدنی. این اطلاعات با واقعیت‌های نابرابری‌های جنسیتی که در منطقه عرب در این حوزه‌ها وجود دارد، متضاد است. به این ترتیب، رسانه‌های اجتماعی به طور بالقوه می‌توانند «عامل تغییر» در زمینه توانمندسازی زنان در جوامع عربی باشند. از سوی بسیاری از کاربران، چه مردان و چه زنان، رسانه‌های اجتماعی، به عنوان رسانه‌ای دیده می‌شوند که می‌توانند باعث تغییرات و ارائه رویکردهای جدید برای رسیدگی به این نابرابری‌ها شود.

با وجودی که رسانه‌های اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای توانمندسازی به شمار می‌روند، ... ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان ادعا می‌کنند که رسانه‌های اجتماعی

عاشقانه‌هایی از نزار قبانی

شعر را با تو قسمت می‌کنم.
همان سان که روزنامه‌ی بامدادی را.
و فنجان قهوه را
و قطعه‌ی کرواسان را.
کلام را با تو دو نیم می‌کنم...
بوسه را دو نیم می‌کنم...
و عمر را دو نیم می‌کنم...
و در شب‌های شرم احساس می‌کنم
که آوایم از میان لبان تو بیرون می‌آید...

تویی که روی برگه‌ی سفید دراز می‌کشی...
و روی کتاب‌هایم می‌خوابی...
و یادداشت‌هایم و دفترهایم را مرتب می‌کنی
و حروفم را پهلوی هم می‌چینی
و خط‌هایم را درست می‌کنی...
پس چطور به مردم بگویم که من شاعرم...
حال آنکه تویی که می‌نویسی؟

نمی‌توانم با تو بیش از پنج دقیقه بنشینم...
و ترکیب خونم دگرگون نشود...
و کتاب‌ها
و تابلوها
و گلدان‌ها
و ملافه‌های تختخواب از جای خویش پرکنند...
و توازن کره‌ی زمین به اختلال نیفتد...

مرا یارای آن نیست که بی‌طرف بمانم
نه در برابر زنی که شیفته‌ام می‌کند
نه در برابر شعری که حیرت‌زده‌ام می‌کند
نه در برابر عطری که به لرزه‌ام می‌افکند...
بی‌طرفی هرگز وجود ندارد
بین پرنده... و دانه‌ی گندم!

آخرین خبرها از پیگیری دوسیه زهرا خاوری

غیر منطقی و عدم راهنمایی درست استاد راهنمای پایان‌نامه اش با زهر خودکشی کرده است. آخرین اظهارات به جا مانده از او به نقل از خبرنگاری مرکزی افغانستان نشان می‌دهد که وی نسبت به سخت‌گیری استاد ره‌نما معترض بوده و نوشته است: «استاد از من کار استندرد می‌خواهد. من پوهاند نیستم و همین قدر می‌توانم انجام دهم. من او را به خدا واگذار می‌کنم.»

موضوع مونوگراف زهرا تغذیه جوجه مرغ بود که کارش را از یک سال پیش آغاز کرده بود. او که جوجه‌هایش را در سرمای ولایت دایکنندی بزرگ می‌کرده مجبور می‌شود در فصل بهار جوجه‌هایش را پیش مادرش بگذارد و برای ادامه تحصیل به کابل برود. با این حال استاد ره‌نمای زهرا این اقدام او را که جوجه را پیش فردی غیر متخصص گذاشته رد می‌کند و او را مجبور می‌کند، جوجه‌هایش را در کابل پرورش دهد. اقدامی که برای او هزینه بالایی داشت.

آژانس افغان خبر ماجرا را به این شکل روایت کرده است: «زهرا مجبور می‌شود که کارش را دوباره با کرایه گرفتن یک دکان در غرب کابل به مبلغ ۶۰۰۰ افغانی در هر ماه از سر بگیرد، اما اینبار نیز مورد تأیید استاد قرار نمی‌گیرد و اعتراض می‌کند که رنگ دکانی که شما در آن جوجه‌های مرغ را تغذیه و کلان کردید خیره بوده باید در یک جای روشن که رنگ دیوار اطاق شان روشن باشد تغذیه و تربیت کنید، اما زهرا که از خانواده‌ی فقیر و غریب بوده دیگر توان برای کرایه کردن دکان نداشته مجبور میشود بخاطر شکایت به رئیس فاکولته علوم و تربیتی که برادر استاد طنین است مراجعه کند. اما ایشان هیچگونه همکاری نمی‌کند بلکه کار زهرا را بیشتر از پیش سخت تر می‌کند. برایش یک دانه کانتینر که در پیشروی فاکولته علوم و تربیتی بوده تسلیم می‌کند و گوشزد میکند که در همین کانتینر جوجه‌های مرغ خود را در پیش چشم استاد نگهداری کند. زهرا برای آخرین بار چانس [بخت] خود را امتحان می‌کند و تمام پول و دارایی که داشته برای جور کردن جای برای جوجه‌های مرغ که خریده بود، مصرف می‌کند و کانتینر را با پول شخصی خود به مشوره استاد رنگ می‌کند و برای جوجه‌های مرغش جای درست می‌کند. اما بدبختانه که این بار هم به دلیل نامعلومی رد می‌شود که رد شدن این بارش منجر به خودکشی زهرا می‌شود و زهرا اینبار مجبور می‌شود که خود را برای همیشه از دست استاد خلاص کند.»

گوسفندی را کاه و علف ویژه میداد تا فربه تر شود و بعد از برگشتن زهرا یک جشن مفصل در قریه بگیرد و همه فامیل‌ها و مردم قریه را دعوت کند. اما غافل از این که همان گوسفند را در ختم قرآنش کشیم. یک شب قبل با مادرم که کابل است صحبت کردم. از گرفتن وسایل زهرا پرسیدم که به کجا رسید؟ گلویش را بغض گرفته بود و گفت: سازنوالی رفته بودم همراه پدرت، همه‌ی سازنوالان صحبت‌هایشان پهلو دار بود، و معلوم بود که داشتند از او (استاد مونوگراف) طرفداری می‌کنند، به من می‌گفتند آیا تو شاهده‌ی داری که از انجام پروژه‌ی مرغداری و گوسفند داری زهرا بگوید؟ اصلاً دخترت پروژه‌ی را کار کرده؟ بروید وسایل اش را بگیرید؟ این چه ربطی به سازنوالی دارد؟

زهرا خاوری محصل سال پنجم فاکولته علوم و تربیتی که پایان‌نامه اش برای پنجمین بار از سوی استاد راهنمایش رد شده بود روز دوشنبه خودکشی کرد. به گزارش خبرنگاری مرکزی افغانستان و به نقل از دوستان این دانشجو، زهرا خاوری به دلیل سخت‌گیری

امین جویا، از بستگان زهرا خاوری به نیم‌رخ می‌گوید که هنوز دوسیه زهرا در سازنوالی است و طبق گفته‌های سازنوالی هنوز اسناد مورد نیاز تکمیل نشده است. در همین حال، فاطمه خاوری، خواهر زهرا گفته بود: وزارت تحصیلات عالی که این همه منتظر آمدن خانواده زهرا بودند، چه کردند؟ حتی به رسم دلجویی خانواده اش یک تماس تلفنی از طرف وزارت یا رئیس دانشگاه دریافت نکرده‌اند و استاد مونوگراف زهرا خاوری هم از دانشگاه اخراج نشده است. وزارت تحصیلات عالی پس از خودکشی زهرا خاوری اظهار امیدواری کرده بود که خانواده وی در پیگیری قضایی علت مرگ زهرا، با نهادهای عدلی و قضایی همکاری کنند.

فاطمه خاوری در صفحه فیسبوکش در این مورد نوشته است: «این روزها تعداد زیادی از دوستانم جشن فارغ‌التحصیلی می‌گیرند و برای فردا هم چند تا از این دوستان دعوت مان کرده‌اند، و آنچه بیشتر به خاطر می‌آید این است که چه برنامه‌هایی برای جشن فارغ‌التحصیلی زهرا ریخته بودیم، مادرم به نوبه خودش



جنسیت

کیم ته‌مینه سومیرس



بدن کلای جنسیتی شده

اینکه زن در بوزیشنی قرار می‌گیرد که در قبال چیزی که می‌گیرد، باید چیزی بدهد و مرد دچار چنین ذهنیتی است که در ازای پولی که صرف کرده باید چیزی دریافت کند که لذت بخش است، آن چیز لذت بخش سکس است. نمونه بارز این هنجار که در واقع یکی از زشت‌ترین ناهنجاری‌های اجتماعی است، بده و بستان میان زوج‌هایی است که در قالب قرارداد اجتماعی ازدواج آن را مشروعیت می‌بخشند. زنان زیادی در سراسر جهان ارزش خودشان را در آن می‌بینند که شب عروسی شان تا چه اندازه مجلل باشد، مردان در عوض پول زیادی خرج می‌کنند تا صاحب لذت جنسی دائمی شوند و اینجاست که زیبایی زن و ثروت مرد از دیگر ملاک‌های اجتناب‌ناپذیر این داد و ستد می‌شود. در کشور اسلامی افغانستان که بکارت اصل اساسی برای قیمت‌گذاری روی زن است این مرد است که حاضر است بهای بیشتری برای

دختر باکره بپردازد و زنی که تجربه سکس داشته در رده بنده‌های پایین تری قرار می‌گیرد. در واقع اقتصاد اینجا نمود دیگری پیدا می‌کند که زن در قبال همسر سکس را می‌فروشد و مرد در قالب شوهر خریدار آن می‌گردد. زن در ازای مراسم عروسی مجلل، تامین خوراک و پوشاک، هزینه‌های خوش‌گذرانی و طلای بیشتر توسط شوهر، بکارت و سکس خویش را در اختیار مردی می‌گذارد که هزینه همه اینها را می‌پردازد.

مرد نیز با بالا بردن وضعیت اقتصادی خود به زن چراغ سبزی نشان می‌دهد که بهای سکس را می‌تواند تمام و کمال بپردازد. در نتیجه با اندکی تفاوت و در قالب ازدواج زن باز هم در نقش مفعول و فروشنده سکس و مرد در نقش فاعل و خریدار سکس ظاهر می‌شود و اینک هر دو معامله‌ای که انجام داده‌اند، خشنود هستند. آنچه در نهایت سیستم وار و هدفمند تولید می‌شود و برای حفظ منزلت خودش با نیروی بیشتری به نمایش گذاشته می‌شود، سرمایه است، اقتصاد بالا و تولید ثروت برای در دست گرفتن قدرت و حاکمیت بیشتر، صلاحیت‌های عام و تام، سلب حق انتخاب برای طبقه فرودست و زمینه‌سازی برای رشد طبقه مرفه جامعه.

پایداری حکومت‌ها و جامعه‌ای که زیر نظر دولت ناگزیر تن به ایجاد طبقه می‌دهد بلکه سرمایه‌بتواند در جایگاه رفیع خود باقی بماند. زنان و مردان اگر چه قربانیان اصلی سرمایه و قدرت هستند اما خود

بدون آگاهی از آن به ماشین‌مازاد و مولد ثروت بدل می‌شوند و در بدترین شکل ممکن با در اختیار قرار

دادن جسم و رابطه جنسی شان این ماشین‌سترگ را به پیش می‌برند.





Nimrokh Weekly

سال اول • شماره ۱۶ • دوشنبه ۴ جدی ۱۳۹۶
Monday • December 26, 2017
Vol. 1 • No. 16



خوانندگان عزیز، نيمرخ بدون جهت گيری خاص سياسی مقالات و نوشته ها از صاحبان نظر را منتشر می کند. صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه روشنیان
سردبیر: مریم شاهی
گزارشگر: آمنه امید
عکاس: نیلوفر نیکبور
زیر نظر هیئت تحریر
بجز رویکرد نيمرخ سایر نوشته ها مسئولیتش به دوش نویسندگان می باشد.
هفته نامه نيمرخ
در ویرایش مطالب دست باز دارد.
شماره تماس: ۰۷۸۶۶۷۷۵۹۹
آدرس الکترونیکی:
nimrokhweekly7@gmail.com

خاطرات دختری از ایران



کتر مریم حنیفی

زندگی در اقلیم کردستان عراق و ترکیه

روزهای پر شور باشور

اقلیم کردستان عراق (به زبان کردی به آنجا باشور می گویند به معنی جنوب کردستان) برایم بسیار ناشناخته و عجیب بود و هیچ تصویری از آنجا نداشتم. منطقه ای که تا ۱ سال و چند ماه پیش هیچ ذهنیتی از آن نداشتم، حالا برایم همه چیز است. در آنجا بسیاری از اعتقاداتم دگرگون شد. به قدری متحول شدم که گرایش های ضد زن در من محو و محوتر شد.

پیش از هرگونه توضیحی لازم است تا کمی فضای آنجا را شرح بدهم. من در شهر سلیمانیه در شمال عراق ساکن بودم. روزهای نخستین حضورم در آنجا مهمان خانمی بودم که او را پیش از این نمی شناختم و یکی از دوستان قدیمی واسطه آشنایی ما شده بود. از فعالین حقوق بشر و زنان در یکی از شهرهای کردنشین ایران بود و به باشور پناهنده شده بود.

ظاهر شهر زیبا و مدرن است، ماشین های لوکس، پوشش زیبا و خوش رنگ خانم ها در نگاه اول بسیار جلب توجه می کند اما در همان برخوردهای نخستین روشن می شود که این جامعه، جامعه ای به شدت درگیر سنت و در مواردی بسیار محدود است. این را می شود از نگاه های عجیب و در مواردی زننده بعضی مردها در خیابان و یا پرسش های بی وقفه راننده های تاکسی از یک «زن فارس» فهمید.

زمان زیادی طول نکشید تا بتوانم خودم را پیدا کنم. سرشار از انگیزه بودم و باوجود اتفاقات تلخی که برایم رخ داد هرگز به تصمیم چندساعته ام شک نکردم. نمی دانم، شاید هنوز گرم بودم، آدم عاشق عقل و هوش ندارد در واقع یکی از بزرگترین شانس هایم آن موقع همین بود، عشق! مارک تواین می گوید: «عشق عینک سبزی است که با آن انسان گاه را یونجه می بیند!» من هم از این قاعده مستثنا نبودم، همین که یار با من بودم برایم کافی بود و باقی مسائل در حاشیه قرار داشتند.

ما در خانه یک پیرمرد دوست داشتنی به نام کمال ساکن شدیم. کمال در انگلیس زندگی می کند و از دوستان و هم زمان قدیمی جلال طالبانی، رئیس جمهور سابق عراق است و چند ماه از سال را در خانه قدیمی اش در سلیمانیه می گذراند. اسکان در خانه کمال فرصت بسیار خوبی بود

تا فارق از نگرانی برای جا و سرپناه برنامه های بعدی را طرح ریزی کنم. با کمک یکی از دوستان با یک رسانه ایتالیایی آشنا شدم و به عنوان خبرنگار آنها در سلیمانیه گزارش ها و رویدادهای کردستان عراق را برای شان ارسال می کردم. هم زمان گزارش هایی را نیز برای برخی رسانه های فارسی می فرستادم. شرایط سختی بود، خصوصا اینکه از هیچ کدام این کارها درآمدی عاید نمی شد.

روزهای گرم و خالی از امید عراق را دوست داشتم، بعد از حمله گروه داعش به عراق و اشغال موصل شرایط روز به روز ملتپتر و سخت تر می شد. فضای شهر هم کمی برای من سنگین بود، زبان کردی را بلد نبودم، ظاهرم شبیه بقیه زن های آنجا نبود و غیره کرد بودنم کاملا مشهود بود. زن های زیادی از ایران به باشور می آیند و در برخی کافه ها و رستوران ها خدمات جنسی ارائه می دهند. معمولا همه ای آنها را به اسم «زن فارس» می شناسند. من هم از ایران آمده بودم و این شائبه برای بیشتر آنها وجود داشت که من نیز مانند خیلی از زنان و دخترانی که از ایران می آیند، به این کار مشغول هستم. فضای باشور بویژه شهر سلیمانیه امنیتی بود، من بدون پاسپورت وارد آنجا شده بودم و کارت اقامت نداشتم، به همین دلیل تردد در شهر برایم کمی سخت بود و جز در مواقع ضروری از خانه خارج نمی شدم.

ترکیه؛ کارابانکای دوم

۹ ماه گذشت، به قول دوستی، سلیمانیه کارابانکای دیگری شده بود. باید از آنجا می رفتیم و تنها گزینه پیش رو کشور ترکیه بود. تصمیم رفتن به ترکیه با حوصله و مشورت گرفته شد، هرچند قلبا راضی نبودم اما چاره دیگری نبود. بیشتر از این نمی شد در باشور و خانه

کمال بمانیم. خیلی سریع روز رفتن رسید، با هوشیار، دوست کردی که آنجا پیدا کرده بودم راهی شدیم. مرز طولانی بود، دو همسفر عراقی هم داشتیم. مسیر برای من سخت نبود، زیرا من خیلی پیاده رفتم، قاچاقبر در ازای دریافت ۱۰۰ دلار قاطرری برای ما آورده بود و کوله پشتی هایمان را حمل می کرد. هوشیار می گفت: «سوار قاطر شو، اگر تو سوار نشی خودش سوار می شه، ما ۱۰۰ دلار ندادیم که این یارو سوارش بشه، خودت بشین!» مسیر

خیلی سختی بود، دلم برای هوشیار و دو همسفرمان می سوخت.

میانهای راه تعدادی لباس زنانه و بچه گانه روی زمین افتاده بود، قاچاق بر گفت: «اینها برای آواره های ایزدی است.» بعد از اشغال موصل، نیروهای دولت اسلامی (داعش) به شنگال، شهر کردهای ایزدی حمله کرده بود، عده زیادی از ایزدی ها به کوهستان پناه بردند و عده ای هم از راه مرزها به کشور ترکیه. عبور از مرز ابراهیم خلیل و رسیدن به اولین شهر ترکیه چندان ساده نبود و ۳ روز زمان برد. بعد از کلی تلاش برای عبور از اولین گشت مرزی در ترکیه، بالاخره رد شدیم. مسافت زیادی تا آنکارا طی کردم تا به دفتر سازمان ملل برسم و خود را معرفی کنم. ترکیه آرامتر از باشور بود، از فضای امنیتی هم خبری نبود. وضعیت بهتر بود، کار با درآمد داشتم، خانه مستقل و زندگی آرام ولی همه چیز مثل سابق نبود و تغییراتی در زندگی ام رخ داده بود. در دوره حضورم در عراق دوستان زیادی در نقاط مختلف دنیا پیدا کرده بودم. در ترکیه هم با حمایت ها و کمک های همین دوستان مشکلات و سختی های بسیاری را پشت سر گذاشتم. کم کم عدد ۹ دارد به یکی از اعداد تاثیر گذار در زندگی ام تبدیل می شود. حدود ۹ ماه می شود که در ترکیه هستم و اینجا هم دارد تبدیل به کارابانکای دیگری برایم می شود، کارابانکای دوم.

تصمیم دارم از اینجا هم بروم، نمی توانم منتظر بمانم تا سرنوشت برایم تصمیم بگیرد، تقدیرم را خودم باید رقم بزنم. می خواهم بروم، مسیر پر خطری است، اما باید بروم. کجا، نمی دانم اما این را می دانم باید بروم. «زندگی یک نوع محکومیت به مرگ است و درست به همین خاطر است که باید آن را طی کنیم....»



هېوادوالو نه له خدمت کولو پر نه بله هېڅ دنده خورده نه ده د افغانستان د ملي پوځ په لیکو کې خدمت کول یو سپېڅلی او بی ساری ویاړ دی چېل هېواد او خلکو ته له خدمت کولو پرته بل هېڅ لور ویاړ نشته.

هېڅ وظیفه ای با ارزش تر از خدمت به هموطنان نیست خدمت در صفوف اردوی ملی افغانستان بک وظیفه مقدس و افتخاری نظر است. هېڅ افتخاری بزرگتر از خدمت به وطن و مردم نیست.

له مور سره یوځای شی!

د افغانستان پوځ له لیکو سره د یوځای کېدو لپاره په خپل ولایت کې د ملي اردو د جلب او جذب مرکز ته ورشی او با هم له ۱۴۲ شمېرې سره په اړیکه کې شی!

با ما پیوندید!

برای پیوستن به صفوف اردوی ملی افغانستان، به مرکز جلب و جذب در ولایت قان مراجعه کرده و یا به شماره ۱۴۲ به تماس شوید!

